مهدی عجل الله تعالی فرجه

روح حج

محمدرضا فؤادیان

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح حج

نویسنده:

محمدرضا فوادیان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح حج ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
مقدمه ----- ۶
امامت و بنای کعبه ----- ۷
امام مولود کعبه ----- ۷
امام مطهر کعبه ----- ۸
امام مبلغ حج ----- ۸
آخرین حج و ولایت ----- ۸
عرفه و عرفان ولایت ----- ۹
حج میعاد با ولایت ----- ۱۰
تمامیت حجّ ----- ۱۰
حضور در حج ----- ۱۱
حج وصال یار ----- ۱۲
ظهور از کعبه ----- ۱۳
مطاف در دولت یار ----- ۱۴
حرمین و اصلاحات خاتم الأولیاء ----- ۱۴
تولیت کعبه و اقدامات خاتم الأولیاء ----- ۱۵
امام زمان و امنیت حرم ----- ۱۶
حرف آخر ----- ۱۷
پاورقی ----- ۱۷
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۲۲

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح حج

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: فوادیان، محمدرضا۱۳۵۱-

عنوان و شرح مسئولیت: مهدی روح حج [منبع الکترونیکی] / محمدرضا فؤادیان

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۷ بایگانی: ۹۴.۳KB)

موضوع: ظهور امام مهدی (ع)

امام شناسی

اسرار حج

ولایت ائمه (ع)

محمد بن حسن(عج)

مقدمه

ای حریم کعبه، مُحرم بر طواف کوی تو من به گرد کعبه می‌گردم به یاد روی توگرچه بر مُحرم بود بوییدن گل‌ها، حرام زنده‌ام من ای گل زهرا زفیض بوی تواشک‌ها از هجر تو نم نم چو زمزم شد روان کی رسد این تشنگان را قطره‌ای از جوی تو [۱] .حجّ که از فرایض بزرگ اسلام [۲] و اعظم شعائر دین و ارزش‌مندترین اعمال برای قرب به خدا است، [۳] رکن وثیق و حبل متینی است که میراث فرشتگان و پیامبران [۴] و شجره‌ی طوبای ابراهیم در طور سینای مکّه است [۵] و فرزند برومندش اسماعیل (علیه‌السّلام) نیز عهده‌دار وظیفه‌ای می‌شود [۶] تا همگان به این میقات آیند و در جای جای آن حرم و حریم پاک و کانون نور، با پیوند با روح آن، یعنی «ولایت» [۷] ، ضمن پذیرفته شدن اَعمال، و نائل شدن به کمال، جان تشنه را سیراب، و رخسار خسته را طراوت بخشند. حج، که با وجود یک عبادت بودن، جامع چندین عبادت است [۸] و هیچ عمل و عبادتی همپایه‌ی او نیست [۹] و بهایی جز رضوان و بهشت جاوید ندارد، [۱۰] با این حال، اگر شخصی، همه‌ی عمرش را در به جا آوردن آن سپری کند، ولی به روح آن، آگاه نباشد، حجّ او فاقد ارزش و اعتبار است. [۱۱] .اصولاً ـ ارکان و احکام دین، دارای شرایطی است. که رعایت آن‌ها، سبب صحّت آن‌ها می‌شود. حج نیز چنین است. انسان، برای صحیح بودن حجّ‌اش باید شرایط آن را رعایت کند، ولی نسبت به روح آن، یعنی معرفت امام، همواره باید ملتزم بود. [۱۲] .بنابراین، حجِّ بدون «ولایت»، طواف بدون «امامت»، حضور در عرفات بدون «معرفت»، قربانی در منی بدون فداکاری در راه «ولیّ زمان»، رمی جمره بدون دور کردن صفات رذیله‌ی مخالف با راه «امام زمان»، سعی بین صفا و مروه، بدون سعی در صراط صفا و مروّت و بی کوشش در شناخت بهتر و اطاعت امام، بی‌حاصل است و سودی ندارد. ساده‌ترین عمل در حرم امن الهی، نظر به کعبه است، که ثواب نیز دارد، [۱۳] لکن بر اساس این که کلمه‌ی توحید، به شرط ولایت، حصن امن و دژ نجات است، [۱۴] نگاه هماهنگ با ولایت و عارفانه به کعبه نیز مایه‌ی بخشش گناه و پایه‌ی نیل به مقامات است.امام صادق (علیه‌السّـلام) می‌فرماید:مَنْ نظر إلی الکعبة بمعرفة فعرف من حقّنا و حرمتنا مثل الذی عرف من حقها و حرمتها غفرالله ذنوبه و کفاه همّ الدنیا والآخرة [۱۵] ؛ هر کس با معرفت و شناخت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را مثل همان که از حق و حرمت کعبه می‌شناسد، بشناسد، خداوند، گناهان‌اش را می‌آمرزد و او را از اندوه دنیا و آخرت کفایت می‌کند.از این رهگذر، معنای حدیثی که درباره‌ی محبوبیّت سرزمین مکه و همه‌ی آن چه در فضای آن، اعم از خاک و سنگ و درخت و کوه و آب [۱۶] است، روشن

خواهد شد؛ یعنی، منطقه‌ی حرم که ادراک حق و حرمت آن آمیخته به عرفان حق ولایت و امتثال آثار وَلا است، محبوب‌ترین چیزها خواهد بود و چیزی همتای محبوبیّت آن نیست.دل، بی تو، تمنّا نکند کوی منی را زیرا که صفایی نبود بی تو، صفا راباز آی که تا فرش کنم دیده به راهت حیف است که بر خاک نِهی، آن کف پا رابه عبارت دیگر، کعبه و حرمت‌اش، زمزم و شرافت‌اش، صفا و مروه و صفایش، قربان گاه و تقوای قربانی‌اش، رمی جمرات و طرد شیطان‌اش، عرفات و نیایش خالصانه‌اش، سرزمین حرم با همه‌ی برکات‌اش، در پرتو ولایت و امامت رسول خدا و اهل بیت (علیهم‌السّلام) است. اگر کعبه به همه‌ی شرافت‌ها مزیّن است، روح عمل و مناسک آن، ولایت و امامت و شناخت امام و خضوع در برابر او است. [۱۷] .از این رو، آن گاه که فضائل امیرمؤمنان امام علی (علیه‌السّلام) مطرح شد و عدّه‌ای خود را برتر می‌پنداشتند، خداوند، در بیان برتری آن حضرت به عنوان برجسته‌ترین مصداق اهل ایمان و جهاد فرمود:«أجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمَن آمن بالله والیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عندالله»؛ [۱۸] آیا سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند. [۱۹] .بنابراین، علم و عمل به این مطالب، بسیار مغتنم است؛ یعنی، کسانی که به حجّ مشرف می‌شوند، باید بدانند که حجّ. اسراری دارد و یکی از آن اسرار، هماهنگ بودن افکار و اعمال با امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) است تا حجّ کاملی انجام دهند و روح شان متعالی گردد.چنین نیست که اگر مستطیعی به مکّه رود و حجّ گذارد، بدون آگاهی از اسرار آن، حجّ واقعی و کاملی را اقامه کرده باشد! امام سجاد (علیه‌السّلام) به «شبلی» که از اسرار بی خبر بود، فرمود: «... بنابراین، تو، نه به میقات رفته‌ای، نه احرام بسته‌ای،...». [۲۰] .در این روایت، سخن از نفی «کمال» است، نه نفی «صحّت». ممکن است حجّ چنین کسی، صحیح باشد و قضا کردن نخواهد و در ظاهر، ذمه‌اش بری شده باشد، لکن به جهت بی خبری از اسرار، در همان سیرت متعالی نشده، باقی مانده باشد. [۲۱] .بنابراین، روح آهنگ و قصد خانه‌ای که به سوی آن ره می‌سپاری، «ولایت» است و میان آن دو، پیوندی عمیق است، و زائر، در تمام نقاط این حرم، خصوصاً کعبه، و تمام لحظه‌های به جای آوردن مناسک آن، خصوصاً طواف، شمیم دل نواز و جان فزای عطر امامت و ولایت را با جان احساس می‌کند. در این جا، به نمونه‌هایی از پیوندهای حج و ولایت، کعبه و امامت، اشاره می‌شود.

امامت و بنای کعبه

این بنای توحید را پیامبری تجدید بنا و احیا کرد که بعد از ابتلائات فراوانی که همه در سمت و سوی حج است [۲۲] ، به مقام رفیع امامت رسید. خداوند تبارک و تعالی در این خصوص می‌فرمایند:«و إذ ابتلی إبراهیمَ ربّه بکلمات فأتمَّهنَّ قال إنّی جاعلک للناس إماما»؛ هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود، و او، به خوبی، از عهده‌ی این آزمایش‌ها بر آمد، خداوند به او فرمود: «من، تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» [۲۳] .آری، کعبه، به دست ابراهیم خلیل الرحمان که امام است، تجدید بناء شد و سکّه‌ی حج به نام او ضرب شد و این مراسم را «حج ابراهیمی» نامیدند. لذا وارث او، امام مهدی (عجلّ الله تعالی فرجه)، به هنگام ظهور، در کنار کعبه، به تمام عالمیان صَلا دهد که «هر کس می‌خواهد با من درباره‌ی ابراهیم گفت و گو کند، بداند که من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم هستم.». [۲۴] .

امام مولود کعبه

تنها کسی که در این عالَم خاکی، در میان کعبه، پا به عرصه وجود گذاشته است، امیرمؤمنان حضرت علی‌ابن ابی طالب (علیه‌السّلام) است که با تولّدش، پرده از راز و رمز شرافت و قداست این خانه بر می‌دارد. [۲۵] .این فضیلت بزرگ را قاطبه‌ی محدّثان و مورّخان شیعه و دانشمندان علم انساب، در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. در میان دانشمندان اهل تسنّن نیز گروه زیادی به

این حقیقت تصریح کرده‌اند و آن را یک فضیلت بی نظیر خوانده‌اند. [۲۶] .حاکم نیشابوری می گوید: «ولادت علی در داخل کعبه، به طور تواتر به ما رسیده است.». [۲۷] .آلوسی بغدادی، صاحب تفسیر معروف می‌نویسد: «تولد علی در کعبه، در میان ملل جهان، مشهور و معروف است و تا کنون کسی به این فضیلت دست نیافته است.». [۲۸] .زائری که بر گرد این خانه طواف می کند و رو به سوی آن نماز می گزارد، باید معترف به این فضیلت باشد که نمودی از پیوند این دو است. [۲۹] .

امام مطهر کعبه

یکی دیگر از جلوه‌های پیوند حج با ولایت، پاک سازی مرکز توحید از بُت‌ها، به دست امیرمؤمنان است. بت شکنی که آیین ابراهیمی است، یک بار دیگر در سال هشتم هجری، بعد از فتح مکه صورت گرفت.شاعر سخنور حلّه، «ابن العرندس» که از شاعران قرن نهم اسلامی است، در قصیده‌ی خود در باره‌ی این فضیلت چنین می گوید:وصعود غارب أحمد فضل له دون القرابة والصحابة أفضلاصعود علی (علیه‌السّلام) بر دوش احمد (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) فضیلتی است برای او. این فضیلت، غیر از خویشاوندی و هم‌نشینی است.علّامه‌ی امینی، (رحمهٔالله علیه)، نیز این فضیلت را از زبان بیش از چهل تن از محدّثان و تاریخ نگاران پیروان مکتب خلفا نقل می کند. [۳۰] .

امام مبلغ حج

تبلیغ آیات سوره‌ی برائت از سوی امیرمؤمنان (علیه‌السّلام) در سال نهم هجری، جلوه‌ای دیگر از این پیوند است. تقریباً، تمام مفسّران و مورّخان، اتّفاق نظر دارند که هنگامی که آیات نخستین سوره‌ی برائت، قبل از فرا رسیدن مراسم حجّ، نازل شد، پیامبر اسلام (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) برای ابلاغ این فرمان که در باره‌ی وضِع باقی مانده‌ی مشرکان بود، آن را به ابوبکر داد تا درموقع حج، در مکه، برای عموم مردم بخواند، ولی آن را گرفت و به امام علی (علیه‌السّلام) داد و او مأمور ابلاغ آن گردید. ایشان هم در مراسم حج، آن آیات نورانی را ابلاغ کرد. [۳۱] .از این که امام علی (علیه‌السّلام) در مراسم حجّ آن سال شرکت می کند و علاوه بر ابلاغ آیات نورانی قرآن کریم، خطبه می‌خواند [۳۲] و مردم را از حج جاهلی، نهی، و به حج ابراهیمی دعوت می کند، در می‌یابیم که میان حج و ولایت، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

آخرین حج و ولایت

بارزترین جلوه‌ی این پیوند در «حجهٔالوداع» تجلّی دارد. از این که پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) مأموریّت می‌یابد که مناسک حج و خلافت و ولایت و امامت بلافصل خود را در آخرین سفر حج، به سمع و نظر جهانیان برساند، در می‌یابیم که این دو، پیوندی ناگسستنی دارند.شکافنده‌ی دانش‌ها، امام محمد باقر (علیه‌السّلام) در این باره می‌فرمایند:رسول خدا (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) از مدینه، عازم سفر حج شد، در حالی که همه‌ی احکام دین، غیر از حج و ولایت را رسانده بود. جبرییل (علیه‌السّلام) نزد او آمد و عرضه داشت: «ای محمد! خداوند بلند مرتبه، سلامات می‌رساند و می‌فرماید: من، هیچ پیامبری از پیامبرانام و رسولی از فرستادگانام را قبض روح نکردم مگر بعد از کامل کردن دین‌ام و تأکید بر حجّت‌ام. از دین تو، دو فریضه باقی مانده که ابلاغ آن بر قومات، لازم است: فریضه‌ی حج و فریضه‌ی ولایت و خلافت بعد از خودت. من، زمین‌ام را از حجّت‌ام خالی نگذاشتم و هرگز خالی نخواهم گذاشت. خداوند به شما امر می کند که حج را به قومات ابلاغ کنی و خود، حج به جا آوری و هر که از مردم مدینه و اطراف آن و عرب، استطاعت دارد، با تو حج گزارد و از نشانه‌های حج شان به آنان بیاموزی، مانند آن چه که از نمازشان و زکات شان و روزه شان به ایشان آموختی...». [۳۳] .رسول خدا (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) به آخرین حج می‌رود و همان طوری

که درباره‌ی نماز فرموده بود: «صلّوا کما رأیتمونی أَصلّی» [۳۴] در این حج نیز می‌فرماید: «خذوا عنّی مناسککم» [۳۵] منتها در ابلاغ پیام مهم‌تر، از توطئه‌ی مخالفان و دشمنان و سرپیچی آنان بیم دارد که پیک وحی از سوی خداوند متعال می‌فرماید:«یا أیّها الرسول بَلِّغ ما أُنزل إلیک من ربّک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتَه والله یعصمک من الناس»؛ ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نرسانی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد. [۳۶] .پیامبر نیز در سرزمین «غدیر خم»، مردم را جمع کرد و امیرمؤمنان را به عنوان ولیّ و خلیفه‌ی بلافصل خود معرفی کرد و فرمود: «مَنْ کُنتُ مولاه فهذا علی مولاه». [۳۷] .امین وحی الهی نازل شد و این آیه را بر پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) خواند:«الیوم أکملتُ لکم دینکم و اتممتُ علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الإسلام دینا» [۳۸] ؛ امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل، و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.با توجّه به این مطالب، بر حاجی فرض است، علاوه بر انجام دادن فریضه‌ی حج، به روح آن، یعنی فریضه‌ی ولایت توجّه داشته باشد؛ چرا که تمام مناسک حج، نشانی به سوی ولایت است و اگر توأم با آن نباشد، ارزشی ندارد.اکنون، سرّ این که چرا به هنگام طواف، باید بین خانه و مقام بود، و چرا نماز طواف را پشت سر مقام ابراهیم (علیه‌السّلام) خواند، روشن می‌شود؛ زیرا، این رموز، به ما می‌آموزد، طوافی با ارزش است که ما بین توحید و امامت باشد. نیز نباید جلوتر از مقام ایستاد، چون، سبقت بر امام، ما را به وادی حیرت و ضلالت می‌کشاند. همان طوری که به ما دستور داده‌اند، برای نماز، جلوی قبر مطهّر امام نمی‌توان ایستاد. [۳۹] .اگر کعبه، مطاف خاکیان است ویا گر قبله‌ی افلاکیان استطواف کعبه و دل‌های عشّاق به گِرد مهدی صاحب الزمان است [۴۰] .

عرفه و عرفان ولایت

روز عرفه، ظرف مناجات و نیایش، [۴۱] و عرفه، سرزمین اشک و دعا [۴۲] برای یافتن معرفتی عمیق‌تر است.ادعیّه‌ی شیعه، سرتاسر معارف ناب و درس‌های بسیار جامعی را در بر دارد. در بخشی از دعای عرفه سید الساجدین و زین العابدین (علیه‌السّلام) این چنین آمده است:پروردگارا! تو، برای هر عصری، امامی شایسته ذخیره کرده‌ای که به دست او، آن چه را دیگران از بین برده‌اند، احیا کنی. خدایا! او را تأیید کن و ما را از کسانی قرار ده که اوامرش را امتثال می‌کنند... [۴۳] .عرفان به ولایت امام عصر (عجّل الله تعالی فرجه) انسان را از زندگی جاهلی می‌رهاند و سبب می‌شود که حجّ‌اش نیز جاهلی نباشد. اگر کسی امام زمان‌اش را نشناسد، علاوه بر مرگ جاهلی، زندگی جاهلی دارد. لذا همواره باید دعا کرد که: «... اللهم عرّفنی حُجّتک؛ فإنّک إن لم تعرّفنی حُجتک، ضللتُ عن دینی؛ [۴۴] خدایا، حجّت‌ات را به من بشناسان، که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.».معرفت و ارادت به «ولایت»، بسیار مهم و با ارزش است. امام صادق (علیه‌السّلام) می‌فرماید: «ما نُبیءَ نَبیٌّ قَطُّ إلّا بمعرفة حقّنا و بفضلنا علی مَنْ سوانا؛ [۴۵] هیچ پیامبری به نبوّت نرسید، مگر از طریق معرفت نسبت به حق ما و برتری دادن ما بر غیر ما».وقتی نبوت که از عالی‌ترین منصب‌های الهی است، به این سبب حاصل شده باشد، جز این است که عالی‌ترین اسرار حج، توأم با ولایت باشد؟در برخی از احادیث، مصداق آیه‌ی شریف «ومَن دخله کان آمنا» [۴۶] را افرادی بیان فرموده که داخل حصن حصین اعتقاد و التزام به ولایت و امامت شده باشند. این، به نوبه‌ی خود، جلوه‌ای از پیوند حجّ و ولایت است.امام صادق (علیه‌السّلام) در پاسخ پرسش از معنای آیه‌ی شریف «فیه آیات بینات مقام إبراهیم و مَنْ دخله کان آمنا» فرمود: «اطلاق آن، مراد نیست؛ زیرا، ملحدان و صاحبان عقاید باطل نیز در آن جا داخل می‌شوند و حال آن که در امان نیستند، بلکه مراد، کسانی هستند که هم عارف به حق ما باشند و هم جایگاه والای کعبه را بشناسند. این افراد، اگر داخل کعبه شوند از گناهان خود پاک شده و دنیا و آخرت آنان کفایت خواهد شد.». [۴۷] .

حج میعاد با ولایت

طواف بر گرد سنگ‌های کعبه، مقدّمه‌ی آن چیزی است که ائمه (علیهم‌السّلام) ما را به آن امر فرموده‌اند. [۴۸] .کعبه‌ی سنگ، نشانی است که ره گم نشود حاجی! احرام دگر بند، ببین یار کجاست‌امام محمدباقر (علیه‌السّلام) با مشاهده‌ی طواف کنندگان کعبه می‌فرماید: «در جاهلیّت هم، این چنین، هفت دور بر گرد این کعبه می‌گشتند. مردم، مکلّف اند اطراف این سنگ‌ها بگردند و پس از آن نزد ما آمده، مودّت و نصرت و آمادگی شان را بر ما عرضه کنند.». [۴۹] .سپس حضرت (علیه‌السّلام) به سخن حضرت ابراهیم (علیه‌السّلام) که در قرآن آمده، استشهاد کرد و آن را تلاوت فرمود: «فاجعل أفئدة من الناس تهوی إلیهم» [۵۰] ؛ پروردگارا! تو، دل‌های گروهی از مردم را متوجّه آنان ساز.در روایت دیگری امام باقر (علیه‌السّلام) به «قتادةبن دعامه» معروف به «فقیه اهل بصره»، ضمن استشهاد به این آیه‌ی شریف می‌فرماید: «مراد، تمایل قلب‌ها به سمت کعبه نیست. اگر چنین بود، باید با ضمیر مفرد(الیه) می‌فرمود و نه جمع (الیهم). به خدا سوگند! آن که ابراهیم فرا خواند تا قلب‌ها به سوی او متمایل شود، ماییم...» [۵۱] .خدای سبحان، بعد از آن که جای خانه را برای ابراهیم آماده ساخت تا او، آن خانه را بنا کند، به او فرمود: «و أذّن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً و علی کل ضامرٍ یأتین من کل فجّ عمیق» [۵۲] ؛ مردم را دعوت عمومی کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر، از هر راه دوری به سوی تو بیایند.نکته‌ی بسیار دقیق و ظریف، در کلمه‌ی «یأتوک» نهفته است. مردم، حج مشرّف شوند، امّا نه «یأتونا» (به سوی ما)، بلکه «یأتوک» (به سوی تو) که ولیّ زمان هستی.گویا، حج، مقدّمه‌ای برای رفتن و حاضر شدن در محضر ولیّ زمان (علیه‌السّلام) است. پنجمین پیشوای حق بعد از نبی (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «مردم، فرمان داده شده‌اند تا نزد این سنگ بیایند و بر گرد آن‌ها طواف کنند و سپس نزد ما آیند و دوستی و نصرت خود را اعلام کنند.» [۵۳] ؛ یعنی، زمینه‌ی «حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر» [۵۴] را فراهم کنند.اگر محتوای حجّ و روح کعبه، حضور و اعلام آمادگی نزد معصوم (علیه‌السّلام) نباشد، مکّه، همان بازار عکاظ، و کعبه، جایگاه بت‌ها و تولیّت آن، در شب نشینی مستانه با مشک شراب معاوضه می‌شود. [۵۵] .این مسئله‌ی پر رمز و راز، «حجّ ابراهیمی» را از «حجّ جاهلی» امتیاز می‌بخشد. امام محمّد باقر (علیه‌السّلام) درباره‌ی ملاقات امام عصر و اعلام آمادگی بر حمایت و اطاعت، می‌فرماید:فعال کفعال الجاهلیة! أما – والله! – ما أُمروا بهذا و ما أُمروا إلّا أن یقضوا تفثهم ولیوفوا نذورهم! فیمّروا بنا فیخبرونا بولایتهم ویعرضوا علینا نصرتهم؛ [۵۶] این اعمال، مانند اَعمال زمان جاهلیّت است! آگاه باشید! به خدا سوگند! مردم، به حج مأمور نشدند و مأمور نگشتند، مگر این که مناسک حج و حلق و تقصیر به جا آوردند و به عهد و نذرهای خویش وفا کنند و بر ما بگذرند و ولایت و محبت شان را به ما اطّلاع دهند و نصرت و یاری خود را بر ما عرضه دارند.حرم و زمزم و صفا باشد از صفای تو با صفا، مهدی! [۵۷] .

تمامیت حجّ

درباره‌ی اتمام حجّ و عمره که در آیه‌ی شریف «واتموا الحج والعمرة للّه» [۵۸] بدان امر شده، گذشته از بحث‌های فقهی، در برخی از روایات، زیارت و لقای امام (علیه‌السّلام) به عنوان متمّم حجّ بیان شده است.شکافنده‌ی علوم، امام محمّد باقر (علیه‌السّلام) در این خصوص می‌فرمایند: «تمامُ الحج لِقاءُ الإمام [۵۹] ؛ تمامیّت حج، دیدار با امام است.».ای خوش آن روز که به تو گردد مقبول در بَر خالق یک تا به دو صد تحسینم‌ای خوش آن روز که در آخر برنامه‌ی حج وصل روی تو دهد ای مه تسکینم‌امام جعفر صادق (علیه‌السّلام) دراین خصوص می‌فرماید: «إذا حجّ أحدکم فلیختم حجّهُ بزیارتنا؛ لأنَّ ذاک من تمام الحج؛ [۶۰] هنگامی که، یکی از شما، حج انجام داد، حجّ‌اش را به زیارت ما ختم کند؛ زیرا، زیارت ما، از (نشانه‌های) تمامیّت حجّ است.».وقتی یحیی بن یسار، بعد از حجّ، به محضر ولیّ زمان‌اش امام جعفر صادق (علیه‌السّلام) بار می‌یابد، حضرت (علیه‌السّلام) می‌فرمایند: «حاجّ بیت الله و زوّار قبر

نبیّه و شیعهٔ آل محمّد! هنیئاًلکم؛ [۶۱] حاجیان خانه‌ی خدا و زائران قبر پیامبر او و شیعه آل محمد! گوارا باد بر شما.».از این فرمایش، به دست می‌آید که اگر انسان، محضر ولی زمان‌اش را درک کند، شیعه و زائر حقیقی و حاجی واقعی است.ذریح محاربی که جایگاه ویژه‌ای نزد امام صادق داشته و دارای کتاب بوده است، می‌گوید: به آن حضرت (علیه‌السّلام) عرض کردم: «خداوند، در قرآن کریم، مرا مأمور به کاری کرده که من دوست دارم آن را انجام دهم.». امام صادق (علیه‌السّلام) پرسیدند: «آن کار چیست؟».عرض کرد: «این فرموده‌ی خداوند عزوجل که «ثم لیقضوا تفثهم ولیوفوا نذورهم».». [۶۲] آن حضرت فرمود: منظور از «لیقضوا تفثهم» تشرّف به حضور امام است و مراد از «ولیوفوا نذورهم» انجام دادن مناسک حج است.عبدالله بن سنان که این روایت را از ذریح محاربی نقل می‌کند، می‌گوید: به خدمت امام صادق (علیه‌السّلام) شرف یاب شدم و عرض کردم: «آیه‌ی «ثم لیقضوا تفثهم ولیوفوا نذورهم» را برای‌ام معنا کنید.». آن حضرت فرمود: «به معنای کوتاه کردن موی شارب و چیدن ناخن و مانند آن است.». عرض کردم: «ذریح محاربی، از شما روایت کرد که مراد از «لیقضوا تفثهم» لقای امام، و مراد از «ولیوفوا نذورهم» انجام دادن آن مناسک است.». امام صادق (علیه‌السّلام) فرمود: «هر دو نفر شما، راستگو و صادق‌اید، لکن قرآن کریم، همان گونه که ظاهری دارد، باطنی هم دارد که کسی جز ذریح (و امثال او) تحمّل آن را ندارد». [۶۳] .چو جان شود مَحْرم، به تن احرام‌گیری کز وعده‌ی دیدار جانان کام‌گیری‌وز زمزم چاه زنخدان جام‌گیری بوسی حجر خالِ لب لعل نگاران [۶۴] .آن چه در ایّام حج مهم است، هماهنگ بودن با امام عصر (علیه‌السّلام) است. اگر امام زمان، مُحرم به احرام نشد و برای نابود کردن ریشه ظلم و فساد، از مکه به سوی کوفه خارج شد، کسانی که در لباس احرام می‌مانند و حاضر به یاری او نیستند، مُحرم واقعی و مَحرم اسرار نیستند، و حتّی خداوند از خراب شدن کعبه بر سر آنان ابا ندارد.شیخ صدوق در پاسخ این سؤال که «چرا خداوند، کعبه را از تهاجم سپاه ابرهه مصون داشت، امّا مانع ویرانی کعبه به دست حَجّاج [۶۵] نشد؟»، می‌نویسد:حرمت کعبه، برای آن است که دین محفوظ بماند و حافظ دین، امام معصوم (علیه‌السّلام) است. ابن زبیر، امام زمان خویش را نشناخت و او را یاری نکرد، بلکه خود داعیه‌ی رهبری داشت. از این رو، به کعبه هم که پناه برد، خداوند به او پناه نداد، امّا ابرهه، برای ویران کردن قبله و از بین بردن مطاف آمده بود، لذا خداوند به او امان نداد. [۶۶] .از این حادثه، قدر امام و حرمت ولایت و عزّت خلافت، به خوبی، دانسته می‌شود. حرمت حرم و بلد امین، به صاحب ولایت است. در عرفاتی که امام نباشد، معرفتی نیست؛ در مشعری که امام نباشد، شعوری نیست؛ در مِنی اگر امام نباشد، شیطان واقعی رمی نمی‌شود؛ اگر کنار آب زمزم، امام نباشد، نشانه‌ی حیات واقعی نیست، بلکه سراب است گرچه حیات هر زنده‌ای وابسته به آب است (من الماء کل شیء حیّ) [۶۷] ولی حیات انسانی و معنوی، معرفت امام است (دعاکم لما یحییکم) [۶۸] و خدا و رسول‌اش، ما را برای این حیات خوانده‌اند و بر ما وظیفه‌ای جز اجابت نیست. [۶۹] .کعبه‌ی حق طلبان، قبله‌ی ارباب نیازی مشعر اهل وفا، مروه‌ی اصحاب صفایی [۷۰] .خوشابه حال زائری که قبل از سفر و در طول این سفر، به عشق دیدار کعبه‌ی مقصود و قبله‌ی موعود، زمزمه کنند که: «اللهم! أرنی الطلعةَ الرشیدةَ والغرةَ الحمیدة واکحُل ناظری بنظرة منّی إلیه؛ خدایا! آن چهره‌ی زیبا و ارجمند و پیشانی درخشان و نورانی را به من بنما و سرمه‌ی وصال دیدارش را به یک نگاه به دیدگانام بکش.»؛ [۷۱] زیرا، روح حج، زیارت کعبه‌ی دل است، نه کعبه‌ی گِل، و کعبه‌ی دل ما، همه ساله، در حج حضور دارند.آمدم این جا که یار خویش را پیدا کنم دیده را از نور روی ماه او بینا کنم‌آمدم این جا که ردّ پای مولا ـ را مگر در کنار زمزم و رُکن و حَجَر پیدا کنم‌آمدم این جا که، تا شاید به هنگام طواف او طواف کعبه و من طوف آن مولا ـ کنم‌آمدم این جا که با دیدار روی ماه او عقده‌های قلب پُر اندوه خود را وا کنم‌بعد از این مپسند – یارب – با دو صد اندوه و غم باز هم از دوری او دیده را دریا کنم [۷۲] .

حضور در حج

به سفری رهسپاری که آخرین سفیر الهی (علیه‌السّلام) نیز در ایّام حج آن جا است و تکبیر و تهلیل و تسبیحات، با ذکر او، از این

سرزمین، به سوی آسمان بالا می‌رود! چه پیوند زیبایی! هوایی را استنشاق می‌کنی که یوسف زهرا (علیهاالسلام) در آن هوا نفس می‌کشد!...عبیدبن زراره می‌گوید: صادق آل محمد (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) می‌فرمایند:یفقد الناس إمامهم یشهدالموسم فیراهم ولایرونه؛ [۷۳] مردم، امام خود را نیابند. او، در موسم حجّ، شاهد ایشان است و آنان را می‌بیند، امّا آنان، او را نمی‌بینند.ابومحمّد حسن بن وجنای نصیبی، پنجاه و چهار مرتبه به حج بیتِ الله الحرام مشرّف شد به امید آن که جمال یار را زیارت کند. بعد از رسیدن به آرزویش، امام مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) به او می‌فرماید: «ای حسن! آیا فکر کردی که امر تو بر من مخفی بود؟! به خدا قسم! هر حجّی که انجام دادی، من با تو بودم...». [۷۴] .لذا محمّد بن عثمان عمروی، نایب دوم، در این خصوص، قسم جلاله یاد کرده و فرموده: «والله! إنَّ صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کلَّ سنةٍ یری الناس و یعرفهم و یرونه و لایعرفونه؛ [۷۵] آن حضرت، هر سال، در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند و می‌شناسد، امّا مردم او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.».از ایشان سوال کردند: «شما حضرت(عج) را دیده‌اید؟». گفت: «بله. آخرین بار، حضرت را در بیت الله الحرام دیدم در حالی که می‌فرمود: اللهم انجزلی ما وعدتَنی؛ پروردگارا! وعده‌هایی را که به من دادی، تحقّق بخش..نیز فرموده است: «آن حضرت را دیدم که پرده‌ی خانه‌ی کعبه را در مستجار گرفته و می‌فرمود: اللهم انتقم من أعدائی؛ پروردگارا! از دشمنانم انتقام بگیر.». [۷۶] .مونس او، حضرت خضر نیز همراه او است. امام رضا (علیه‌السّلام) در این باره می‌فرماید: «إنَّ الخضر لیحضر الموسم کلَّ سنةٍ فیقضی جمیع المناسک و یقف بعرفة فیؤمِّنُ علی دعاء المؤمنین؛ [۷۷] حضرت خضر، همه ساله، در موسم حج شرکت می‌کند و مراسم حج را انجام می‌دهد و در عرفات می‌ایستد و به دعای مؤمنان آمین می‌گوید.».

حج وصال یار

حضور سبز حضرت بقیةاللّه، حجةبن الحسن(عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) در مراسم حجّ و بویژه در عرفات و مِنی، سبب شده که برخی از عاشقان حضرت‌اش، در ایّام حج، گل روی او را مشاهده کنند و به آرزوی خود برسند.رسید مژده که ایّام غم نخواهد ماند چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماندعلی بن مهزیار اهوازی می‌گوید: «من، بیست مرتبه به زیارت خانه خدا مشرف شدم، در حالی که در تمام این سفرها، قصدم، دیدن امام زمان (علیه‌السّلام) بود؛ چون، شنیده بودم، هر سال، در ایّام حج، آن حضرت، برای زیارت خانه‌ی خدا به مکّه می‌رود، ولی در این بیست سفر، راه به جایی نبردم و موفّق نشدم تا این که...». [۷۸] .ادامه را از زبان این قلم بشنوید: تا این که آخرین بار، حجّ‌اش، حجّ شد و به منتهای آرزویش رسید، و جان تشنه‌اش را سیراب، و رخسار خسته‌اش را طراوت بخشید.نصیب من، عرفات و مقام و مشعر کن به شوق دیدن خود، راهی مِنایم کن‌تمام حجّ، به لقای جناب حضرت تست عطا، در این سفر، از نعمت لقایم کن [۷۹] .آیةالله سیّد محسن امین عاملی (رحمة اللّه علیه) صاحب کتاب ارزش‌مند أعیان الشیعة می‌گوید: «... این جانب، به مکّه مشرف شدم و در همه جا، از طواف گرفته تا عرفات، مِنی و مشعر، دل در شور و عشق حضرت ولیّ عصر(عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) داشتم؛ چرا که با الهام از روایات و استفاده از اخبار، یقین داشتم که آن بزرگوار، همه ساله، در موسم حج، تشریف دارند و مناسک را به جای می‌آورد. از خدا خواستم که مرا به فیض دیدار نائل آورد، امّا ایّام حجّ سپری شد وموفّق نشدم. در این اندیشه بودم که چه کنم؟ آیا به لبنان برگردم و سال بعد برای زیارت و در پی مقصود بازگردم و یا این که همان جا رحل اقامت افکنده و از خدا، حجّت او را طلب کنم؟.پس از محاسبه‌ی بسیار، تصمیم بر ماندن گرفتم تا شاید خداوند مدد کند و توفیق یار گردد و به منظور برسم.تا مراسم سال بعد، ماندم، امّا با همه‌ی تلاش و جست و جو، سال بعد هم توفیق دیدار نیافتم. باز هم ماندم و تا سال سوم و چهارم و پنجم و یا هفتم، این توقّف ادامه یافت. در آخرین سال توقّف‌ام در مکه که موسم حج فرا رسید، پس از انجام دادن مناسک حجّ، روزی پرده‌ی خانه کعبه را گرفتم و بسیار اشک ریختم و به بارگاه خداوند گله بردم که چرا توفیق دیدار حاصل نیامده است؟، تا این که پس از راز و نیاز...» [۸۰] او هم موفق می‌شود و جان خسته‌اش را

رونق و رمق می‌بخشد. گر بنده بُوَد بنده، کسی جانب او نیست بی پرده سراپرده‌ی آن شاه، توان یافت‌جز پرده‌ی عصیان، نبود حایل دیدار گر ابر گناهان رود آن ماه توان یافت‌ما را چه لیاقت به شرف یابی دائم این بس که گهی فرصت کوتاه، توان یافت [۸۱] .ابن قولویه به سند خود از ابی عبدالله بن صالح روایت کرده است که آن حضرت را در برابر حجرالاسود دیده است. زمانی که مردم برای بوسیدن آن کشمکش می کردند، آن حضرت (علیه‌السّلام) فرمودند: «به این نحو، مأمور نشده‌اند.». [۸۲] .روزی که آخرین خورشید آسمان تابناک امامت و ولایت، از بام کعبه طلوع کند، برای ما رابطه و پیوند حج و ولایت بیش‌تر واضح خواهد شد.

ظهور از کعبه

یکی دیگر از جلوه‌های پیوند کعبه و حجّ با ولایت، ظهور آن حضرت(عج) در کنار خانه‌ی خدا است.در برخی از روایات، «یوم الحج الاکبر» در آیه‌ی شریف «وأذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر» [۸۳] تأویل به روز ظهور شده است. [۸۴] .امام صادق (علیه‌السّلام) می‌فرماید:إنّ القائم إذا خرج، دخل المسجد الحرام فیستقبل الکعبة ویجعل ظهره إلی المقام ثُمَّ یصلّی رکعتین ثُمَّ یقوم، فیقول: «یا أیّها الناس! أنا أولی الناس بآدم... یا أیّها الناس! أنا أولی الناس بمحمّد [۸۵] ؛ چون مهدی ظهور کند، به مسجد الحرام رود. رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد و دو رکعت نمازگزارد. آن گاه صلا دهد: «ای مردمان! من‌ام یادگار آدم، یادگار ابراهیم، یادگار اسماعیل، یادگار محمّد.»در روایت دیگری، امام محمد باقر (علیه‌السّلام) می‌فرماید:«والقائم یومئذ بمکة عندالکعبه مستجیراً بها یقول:...«فمن حاجّنی فی آدم فأنا أولی الناس بإبراهیم، ومن حاجّنی فی نوح، فأنا أولی الناس بنوح، و مَنْ حاجّنی فی إبراهیم فأنا أولی الناس بإبراهیم، و من حاجّنی فی محمّد فأنا أولی الناس بمحمّد.... [۸۶] .قائم، در آن روز، در مکه است و در خانه‌ی کعبه به مردم می گوید: «آن کس که از آدم سخن گوید، من وارث آدم هستم، و آن کس که از نوح سخن گوید، من وارث نوح هستم، و آن کس که از ابراهیم سخن گوید من وارث ابراهیم هستم، و آن کس که از محمّد سخن گوید، من وارث محمدم.»سپس یاران‌اش را فرا می‌خواند و آنان مانند پروانه، گرد شمع وجودش جمع می‌شوند.امام صادق (علیه‌السّلام) در این خصوص می‌فرماید:یقف بین الرکن والمقام فیصرخ صرخة فیقول: «یا معاشر نقبائی وأهل خاصتی ومن ادّخرهم اللهُ لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الأرض! ائتونی طائعین...» [۸۷] .در میان رکن و مقام می‌ایستد. آن گاه بانگ بر می‌آورد: «ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من، آنان را برای یاری من در روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهید...».در این لحظه، آنان، بانگ امام را می‌شنوند و به سوی او می‌شتابند.آن گاه نوبت بیعت فرا می‌رسد [۸۸] و حجر الأسود شاهد این ماجرا است و شهادت می‌دهد.امام صادق (علیه‌السّلام) در این رابطه می‌فرماید:... وإلی ذالک المقام یسند القائم ظهره، و هو الحجة و الدلیل علی القائم، وهو الشاهد لمَنْ وافا فی ذالک المکان والشاهد علی مَنِ ادَّی إلیه المیثاق والعهد الذی أخذ الله عزّ وجلّ علی العبد [۸۹] .حجرالاسود، تکیه‌گاه و دلیل و حجّت برای حضرت مهدی(عج) است. به هنگام بیعت مردم با حضرت، شاهد بر وفای به عهد و میثاقی است که خداوند از بندگان در عالم ذر گرفته است.از «مکان ظهور»، «سخنان حضرت به هنگام ظهور»، «جمع‌شدن یاران»، «شهادت حجر الاسود»،... پیوند عمیق حج و ولایت رخ می گشاید، امّا سوال مهم این است که «به راستی چرا کعبه؟».از این که پیامبر در این سرزمین مبعوث شد و وارث‌اش امام حسین (علیه‌السّلام) برای زنده ماندن دین جدش، از مکّه شروع کرد و فرزندش، سالار ساجدان، پیام‌رسان کربلا، در معرّفی خود، «أنا ابن مکة ومِنی؛ أنا ابن زمزم والصفا،...» [۹۰] فرمود، نقش و جایگاه استراتژی آن روش می‌شود. امروز، جهان غیر اسلام، کعبه را به عنوان مرکز اسلامی می‌شناسد و حتّی برای مسلمانان نیز نقش محوری دارد. این نقطه، تنها جایگاهی است که همه‌ی فرقه‌ای‌و نحله‌های اسلامی، گرد آن جمع می‌شوند. به حقیقت باید گفت، تنها عامل قوام و قیام مردم و زنده ماندن دین و مسلمانان و مقاومت آنان در برابر کفر، «کعبه» است.خداوند تبارک و تعالی می‌فرمایند: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس» [۹۱] ؛ خداوند کعبه – بیت الحرام – را وسیله‌ای برای استواری

و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.امام صادق (علیه‌السّلام) در این باره می‌فرمایند: «ولایزال الدین قائماً ماقامت الکعبة [۹۲] ؛ تا زمانی که کعبه پا بر جا است، دین اسلام نیز پا بر جا است.». مولود کعبه و شهید محراب، امام علی (علیه‌السّلام) از این کانون نور، «عَلَم و پرچم اسلام» یاد می‌نماید [۹۳] که بر فراز ستیغ سراسر عظمت و افتخار تاریخ اسلام تعبیه و نصب گردیده است. این پرچم سرافراز و همیشه پیروز «بیت الله»، همواره نشانه‌ی «حاکمیّتِ الله» خواهد ماند که هم قبله‌ی مقبلان عالم است و هم مقصد سالکان پای در راه و مطاف زائران دل آگاه.از این رو، امام زمان قائم آل محمد (علیهم‌السّلام) نیز در آغاز قیام جهانی خود، بر محور قیام و قوام جوامع انسانی، تکیه می‌فرماید و تمام جهان را از عدل و داد پر می‌کند.

مطاف در دولت یار

منحرف شدن اسلام از مسیر اصلی‌اش بعد از پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم)، و شدّت فتنه‌هایی که در عصر غیبت حاصل می‌شود، تا جایی است که برخی، حجّ را برای تجارت و تفریح و نام و نان [۹۴] و برخی از کشورهای اسلامی، از حج منع شده [۹۵] و به سبب نا امنی راه‌ها، برخی حُجّاج، غارت [۹۶] می‌شوند، منتها روزی که حضرت بقیّةُ الله (علیه‌السّلام) ظهور کنند، به جهت رشد تربیّتی و اخلاقی [۹۷] تمام این مشکلات حل می‌شود و همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و افرادها، طعم شیرین عدالت را می‌چشند. بهره‌ی «مطاف» از این عدالت شنیدنی و دیدنی است!امام صادق (علیه‌السّلام) در این خصوص می‌فرمایند: «أوّل ما یظهر القائم العدل أنْ ینادی منادیه: أنْ یُسلّم صاحب النافلة لصاحب الفریضة الحجر الأسود و الطواف [۹۸] »؛ نخستین چیزی که از عدالت قائم ظاهر می‌شود، این است که منادی، اعلام می‌کند: آنان که طواف مستحبی می‌کنند، «مطاف» (محل طواف) و «حجر الاسود» را برای کسانی که طواف واجب می‌کنند، خالی کنند.».یکی دیگر از جلوه‌های بهره‌ی این سرزمین مقدّس از دولت کریمه‌ی امام زمان(عج) اصلاحاتی است که حضرت در سرتاسر جهان،از جمله، این سرزمین، انجام می‌دهد.

حرمین و اصلاحات خاتم الأولیاء

این اصلاحات، مربوط به باز گرداندن مسجدالحرام، مسجدالنبی و مقام ابراهیم به اندازه‌ی اصلی خودشان است.امام صادق (علیه‌السّلام) در این رابطه می‌فرماید:«القائم یهدم المسجد الحرام حتّی یردّه إلی أساسه ومسجد الرسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) إلی أساسه ویرد البیت إلی موضعه وأقامه علی أساسه؛ [۹۹] حضرت قائم(عج) ساختمان مسجد الحرام را ویران می‌کند و آن را به ساختمان نخستین و اندازه‌ی اصلی‌اش باز می‌گرداند. مسجد پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) را نیز پس از ویران کردن به اندازه‌ی اصلی‌اش باز می‌گرداند و کعبه را در جایگاه اصلی‌اش می‌سازد.».نیز در روایت دیگری امام صادق (علیه‌السّلام) می‌فرمایند: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خانه‌ی خدا را به اندازه‌ی نخستین آن باز می‌گرداند.». [۱۰۰] .می‌دانیم که مسجدالحرام پس از رحلت پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) تا کنون بارها گسترش داده شده و از هر سو، بر آن افزوده شده است، امّا با همه‌ی اینها باز هم به وضعیّت اصلی خویش و نقطه‌ای که ابراهیم (علیه‌السّلام) برای آن خطّ کشی کرد، نرسیده است، چرا که پایه‌ها و حدود اصلی آن از «حزوره» [۱۰۱] یا نقطه‌ای می‌باشد که میان «صفا» و «مروه» است.این مطلب را از امام صادق (علیه‌السّلام) آورده‌اند که: در پاسخ فردی که از حدود مسجدالحرام می‌پرسید و می‌گفت: «آیا آنچه را به مسجدالحرام افزوده‌اند، جزو آن است یا نه؟»فرمود: «آری! همه جزو مسجدالحرام است و با همه‌ی این افزودنها به مساحت آن، هنوز به آن نقشه خطّی که ابراهیم و اسماعیل برای مسجد ترسیم کردند، نرسیده است.» [۱۰۲] .و فرمود: «خطَّ ابراهیمُ بمکةَ ما بین الحزورة الی المسعی، فذلک الّذی خطَّ ابراهیم.» [۱۰۳] .یعنی: ابراهیم (علیه‌السّلام) در مکّه میان «حزوره» تا نقطه‌ای که محلّ وسیعی است خط کشی کرد و این خط کشی و نقشه، حدود مسجد است.و نیز «حسین بن نعیم» از امام صادق (علیه‌السّلام) در مورد نماز خواندن در قسمتهای جدیدی از مسجدالحرام را

میان صفا و مروه، تعیین کردند و مردم پیش از این تا صفا طواف می‌کردند.... [۱۰۴] .مرحوم فیض کاشانی در مورد جمله‌ی امام صادق (علیه‌السّلام) که می‌فرماید:«فکان النّاس یحجّون الی الصّفا.» یا بنا بر نسخه‌ی دیگری «یحجّون من مسجد الصّفاء.» دو احتمال می‌دهد:نخست اینکه: ممکن است منظور این باشد که مردم تا صفا طواف می‌کردند.دوّم اینکه: از مسجد الحرام می‌بستند. [۱۰۵] .به هر حال خلاصه‌ی این روایات، بیانگر این نکته است که مسجدالحرام در اصل، بسیار بزرگتر از مسجدالحرامی است که اکنون می‌نگریم و هنگامی که امام مهدی (علیه‌السّلام) ظهور نماید، دیوار احاطه کننده‌ی مسجد را عقب می‌کشد و دیواری بر جایگاه اصلی آن، همان نقطه‌ای که ابراهیم و اسماعیل آن را برای مسجدالحرام خط کشی کردند بنیاد می‌کند و این کار، طواف بر گرد خانه دوست را برای عاشقان آسان می‌سازد بویژه که شمار زائران بیت اللّه نیز در عصر درخشان آن گرامی، به دهها میلیون نفر می‌رسد. [۱۰۶] .در ادامه روایت گذشته آمده که امام صادق (علیه‌السّلام) فرمود:«هنگامی که قائم بپا خیزد... مقام ابراهیم را به جایگاه اصلی آن باز می‌گرداند.» می‌دانیم که مقام ابراهیم، صخره‌ای است که آن پیامبر بزرگ به هنگام ساختن کعبه روی آن ایستاده است و آن صخره، در زمان پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) در جوار کعبه بوده است.از این رو از جمله کارهای امام مهدی (علیه‌السّلام) پس از ظهور در مکّه مکرّمه، بازگردانیدن «مقام ابراهیم» به جوار کعبه و جایگاه اصلی آن است و این از کارهایی است که طواف بر گرد خانه خدا را آسان می‌سازد چرا که در آن صورت دیگر لازم نیست که طواف تنها میان رکن و مقام باشد، بلکه تنها طواف بر گرد کعبه کافی است، گرچه اکنون به فتوای برخی فقها، طواف میان رکن و مقام واجب است که این، با بازگشت دادن مقام به جای اصلی خود برداشته می‌شود و طواف بر گرد کعبه، کفایت می‌کند.یکی دیگر از بهره‌مندی‌های کعبه که در خاتمه‌ی این روایات آمده، تسویه حساب با سارقان کعبه است. در حقیقت، امام زمان(عج) به هنگام ظهور، کعبه را از لوث آنان پاک می‌فرماید.

تولیت کعبه و اقدامات خاتم الأولیاء

قیام برای تطهیر کعبه و نجات آن از دست اشرار، آیین ابراهیمی است؛ زیرا، خداوند می‌فرماید: «وعَهِدْنا إلی إبراهیم و إسماعیل أنْ طهرا بیتی»؛ [۱۰۷] و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه‌ام را پاک و پاکیزه کنید.گفتنی است، تولیّت این بنای توحید تا زمان خلیل خزاعی، به دست قبیله‌ی خزاعه بود و او پس از خود، آن را به دخترش سپرد و تحت تولیّت «قصی بن کلاب» در آمد. او، کلیدداری کعبه را به مردی از قبیله‌ی خزاعه به نام «ابو غبشان» واگذاشت و «ابوغبشان» این افتخار را در برابر یک شتر و یک مشک شراب به «قصی بن کلاب» فروخت. مثل معروف «أخسر من صفقة أبی غبشان» از این قضیّه برگرفته شده است. [۱۰۸] و این تولیّت، درگذر زمان، به دست افراد نالایقی سپرده شد که نمونه‌ی بارز آن را نعمانی در الغیبه‌ی خود چنین نقل می‌کند:سدیر صیرفی از مردی از اهل جزیره، نقل می‌کند که او، کنیزی را به نذر، بر خویشتن واجب کرده بود که به خانه‌ی خدا دهد (یعنی نذر خانه‌ی خدا کرده بود). او را به مکه آورد. آن شخص گوید: من، پرده‌داران خانه را ملاقات کردم و ایشان را از آن کنیز آگاه ساختم و برای هر کسی از ایشان موضوع را بیان می‌کردم، می‌گفت: «او را نزد من بیاور که خدا نذرت را خواهد پذیرفت.».پس وحشت شدیدی از این موضوع به من راه یافت. لذا ماجرا را به یکی از یاران که اهل مکّه بود گفتم. او به من گفت: «آیا از من می‌پذیری؟». گفتم: «آری.». گفت: «بنگر به مردی که رو به روی حجر الأسود نشسته است و مردانی گرد اویند. او، ابوجعفر محمّد بن علی بن الحسین (امام باقر) (علیه‌السّلام) است. نزد او برو و او را از این امر آگاه کن. ببین به توجه می گوید.».نزد او رفتم. گفتم: «خدا، تو را رحمت کند! من مردی از اهل جزیره‌ام و همراه من کنیزی است که در سوگندی که بر عهده‌ی من بود، او را نذر خانه‌ی خدا کرده‌ام و اکنون او را آورده‌ام و این جریان را به پرده‌داران نیز گفته‌ام و همه می‌گویند، کنیز را به ما بده، خداوند نذرت را قبول می‌کند، و من ناراحت هستم.».حضرت فرمود: «ای بنده‌ی خدا! همانا، خانه، نه چیزی می‌خورد و نه می‌آشامد. کنیز

خود را بفروش و جست و جو کن و به همشهریانات که به زیارت این خانه آمده‌اند، نگاه کن. هر که از ایشان، خرجی‌اش تمام شده، آن مبلغ را به او بده.».من نیز همان کار را کردم. بعد از آن، هر کدام از پرده‌داران را ملاقات می‌کردم، می‌گفت: «کنیز را چه کردی؟». آنان را به فرمایش امام(ع) مطلع کردم. آنان به من گفتند: «او، مردی دروغ گو و ناآگاه است که نمی‌داند چه می‌گوید...»!من حرف آنان را به امام باقر (علیه‌السّلام) عرض کردم. آن حضرت (علیه‌السّلام) فرمود: «تو، سخن آنان را به من گفتی. آیا سخن مرا نیز به ایشان خواهی گفت؟». عرض کردم: «آری.». فرمود: «به ایشان بگو: ابوجعفر به شما پیغام داد، چه گونه خواهید بود اگر دست‌ها و پاهایتان بریده شود و در کعبه آویخته گردد، سپس به شما گفته شود: فریاد کنید که ما دزدان کعبه‌ایم؟».پس هنگامی که خواستم برخیزم، فرمود: «البته، من، خودم، آن کار را نمی‌کنم، بلکه آن را مردی از خاندان من انجام خواهد داد.» [۱۰۹] .امام صادق (علیه‌السّلام) در این خصوص می‌فرمایند:أما إنّ قائمنا لوقدقام لقد أخذهم فقطع أیدیهم وطاف بهم وقال: «هولاء سراق الله [۱۱۰] »؛ وقتی قائم ما قیام کند، ایشان را بگیرد و دستانشان را قطع کند و به خواری، در کوی و برزن بگرداند و بگوید: «اینان، دزدانی هستند که از خدا می‌دزدند.».در روایت دیگری می‌فرمایند: «... وقطع أیدی بنی شیبة السراق وعلّقها علی الکعبه؛ [۱۱۱] دستان طایفه بنی شیبة را که از دزدان کعبه هستند، قطع می‌کند و بر کعبه می‌آویزد.».گفتنی است که در عصر ظهور، سارقان کعبه که در زمان امام صادق (علیه‌السّلام) می‌زیستند، زنده نیستند، لذا شاید اینان، از افراد خطاکاری باشند که در زمان رجعت، به دنیا باز گردند.بنا بر احتمال قوی‌تر کسانی که در عصر ظهور به کردار ناشایست آنان راضی و خشنود باشند، مشمول این حکم قرار گیرند؛ زیرا، این قضیّه در روایت امام رضا (علیه‌السّلام) بعد از پرسش و پاسخ هروی از امام (علیه‌السّلام) درباره‌ی علّت به کیفر رسیدن بازماندگان قاتلان امام حسین (علیه‌السّلام) مطرح شده است که به فرموده‌ی امام هشتم، گویای این حقیقت است که هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است.».هروی در ادامه می‌پرسد: «بأیّ شیء یبدأ القائم منکم إذا قام؟». قال: «یبدأ ببنی شیبة فیقطع أیدیهم لأنّهم سرّاق بیت الله عزّوجلّ.»؛ [۱۱۲] قائم شما از چه طایفه‌ای شروع می‌کند؟ فرمود: «از بنی شیبه شروع می‌کند. دست‌های آنان را قطع می‌کند؛ زیرا آنان دزدان خانه‌ی خدا در مکّه‌ی معظمه هستند.».بنابراین، همه جای جهان امن می‌شود، خصوصاً این اماکن مقدّس و راه‌هایی که به آن ختم می‌شود.

امام زمان و امنیت حرم

یکی دیگر از بهره‌های حرم، امنیّتی است که در دولت کریمه‌ی امام زمان(عج) بر آن سایه می‌افکند.امام صادق (علیه‌السّلام) پس از توبیخ و مؤاخذه‌ی ابوحنیفه به خاطر انحراف علمی و برداشت‌های ناقص‌اش، از او می‌پرسد: «منظور از «سیروا فیها لیالی وأیاماً آمنین» چیست؟». ابوحنیفه گفت: «گویا، مراد، پیمودن فاصله‌ی میان مکّه و مدینه باشد.».امام (علیه‌السّلام) پاسخِ نقضی به او داد و فرمود: «پس رهزنی‌هایی که میان مکّه و مدینه صورت می‌گیرد، چیست؟». ابوحنیفه، عاجزانه ساکت شد.آن گاه امام (علیه‌السّلام) فرمود: «مراد خداوند از «ومَنْ دخله کان آمنا» کدام نقطه از زمین است؟». ابوحنیفه گفت: «مراد، کعبه است».امام (علیه‌السّلام) فرمود: «پس چه‌گونه برای ابن زبیر که در کعبه متحصن شده بود، آن گاه که حجّاج کعبه را به منجنیق بست و ویران کرد و او را گرفت و کشت، امن نبود؟». او، ساکت مانده بود.آن‌گاه ابوبکر حضرمی به امام صادق (علیه‌السّلام) عرض کرده: «جواب این دو سوال چیست؟». آن حضرت فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد(عج) ظهور کند، همه‌ی این راه‌ها امن خواهد شد و هر کس با او بیعت کند و در جمع سپاهیان او در آید، در امان خواهد بود.». [۱۱۳] .بنابراین، بر زائران محترم، بایسته است که در این نکات دقّت کنند و مهم‌ترین وظیفه‌ای که در این سفر بر عهده دارند، انجام دهند.

حرف آخر

مرحوم آیهٔ الله سیّد محمّدتقی موسوی اصفهانی، در بیان وظایف انسان‌ها نسبت به امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) در این خصوص می‌نویسد:«حج رفتن به نیابت از آن حضرت و فرستادن نائب که از طرف آن جناب حج انجام بدهد و طواف بیت الله الحرام به نیابت از او و نائب ساختن دیگری تا از طرف آن حضرت طواف کند. این کار، میان شیعیان، در روزگار قدیم، متداول و مرسوم بود، و چندین روایت در استحباب این امر وارد شده است. نیز زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السّلام) به نیابت از مولایمان صاحب الزمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) و گرفتن نائب به این جهت، علاوه بر استحباب، از وظایف منتظران است. [۱۱۴] .

پاورقی

[۱] نغمه‌های ولایت، سیّد رضا مؤید، ص ۲۷۱.

[۲] امام صادق (علیه‌السّلام): «لیس شی أفضل من الحجّ إلا الصلاهٔ و فی الحجّ هنا صلاهٔ». (وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ص ۷۷، ح ۲).

[۳] جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

[۴] علل الشرایع کتاب الحجّ، ص ۳۹۹؛ کتابُ مَنْ لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۹.

[۵] حجّ: ۲۷.

[۶] بقره: ۱۲۵.

[۷] امام جعفر صادق (علیه‌السّلام) «بنی الإسلام علی خمس: علی الصلاهٔ والزکاهٔ والصوم والحجّ والولایهٔ و لم یناد بشیءٍ کما نودی بالولایهٔ».(اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱). در روایت دیگری، زراره، از امام صادق (علیه‌السّلام) می‌پرسد: «أی شیء من ذالک أفضل؟». فقال: «الولایهٔ أفضل؛ لأنّها مفتاحهن، والوالی هو الدلیل علیهنّ...».(وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ب ۱، ح ۲). لذا هشتمین حجت خدا، امام رضا (علیه‌السّلام) در بیان مقامات امامت، اشاره‌ای به این مطلب می‌کند و می‌فرماید «... بالإمام تمام... الحجّ؛ تمامیّت حجّ به وسیله‌ی امام است.».(کافی، باب نادر جامع فی فضل الإمام وصفاته، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۱).

[۸] جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

[۹] امام صادق (علیه‌السّلام): «... ما یعدله شیء...» (وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ص ۷۸، ح ۷ و ص ۷۷، ح ۳).]

[۱۰] مستدرک الوسائل، ج ۸، باب ۲۴، ح ۲۲.

[۱۱] امام صادق (علیه‌السّلام): «... أما لو أنّ رجلًا قام لیله و صام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حجّ جمیع دهره و لم یعرف ولایهَ ولیّ اللّه فیوالیه و یکون جمیع أعماله بدلالته إلیه. ما کان له علی الله جلّ و عزّ فی ثوابه و لا کان من أهل الإیمان...». (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳.) فقیه و محدّث عالی مقام، شیخ حر عاملی (رحمهٔ‌اللّه‌علیه) در وسائل الشیعهٔ، بابی را تحت همین عنوان قرار داده است: «باب بطلان العبادهٔ بدون ولایهٔ الائمهٔ (علیهم‌السّلام)، و اعتقاد إمامتهم»، (ج ۱، ص ۱۱۸، ب ۲۹) و در آخر می‌فرمایند: «والاحادیث فی ذالک کثیرهٔ جدّا».

[۱۲] امام باقر (علیه‌السّلام): «بنی الإسلام علی خمس... فجعل فی أربع منها رُخصهً و لم یجعل فی الولایهٔ رخصهٔ... و مَن لم یکن عندَه مالٌ فلیس علیه حجّ و مَن کان مریضاً، صلّی قاعداً وأفطر شهر رمضان. والولایهٔ صحیحاً کان أو مریضاً، أو ذا مالٍ أو لامال له فهی لازمهٔ.». (خصال، باب پنج گانه، ح ۲۱؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ب ۱، ح ۲۴). در حقیقت، همان طوری که امام صادق (علیه‌السّلام) فرمودند، آغاز و انجام حجّ و سایر عبادات، معرفت به ولایت است: «... فاتحهٔ ذالک کلّه معرفتنا و خاتمته معرفتنا.».

(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۲).

[۱۳] النظر إلی الکعبهٔ العبادهٔ؛ (وسائل الشیعهٔ، ج ۹، ص ۳۶۴).

[۱۴] بحارالأنوار، ج ۳، ص ۷؛ صهبای حجّ، آیهٔالله جوادی آملی، ص ۲۴۰ – ۲۴۱.

[۱۵] وسائل الشیعهٔ، ج ۹، ص ۳۶۴.

[۱۶] وسائل الشیعهٔ، ج ۹، ص ۳۴۹.

[۱۷] صهبای حجّ، ص ۲۴۱.

[۱۸] توبه: ۱۹.

[۱۹] برای اطلاع بیش‌تر درباره‌ی این فضیلت و مشخّصات مدارک اهل سنّت، به کتاب إحقاق الحق، ج ۳، ص ۱۲۲ – ۱۲۷ مراجعه شود.

[۲۰] مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

[۲۱] ر.ک: بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۲۶۱؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ صهبای حجّ، ص ۳۳۵ – ۳۴۱.

[۲۲] در این زمینه، روایات گوناگونی وارد شده است که به برخی اشاره می‌شود: الف) ولادت حضرت اسماعیل (علیه‌السّلام) در سن پیری حضرت ابراهیم و بردن او و مادرش به سرزمین مکّه،(بحارالأنوار، ج ۱۲، ص ۱۱۳). ب) مأموریّت ذبح اسماعیل (علیه‌السّلام). (مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۰. البته در روایت دیگری آمده است که حضرت ابراهیم (علیه‌السّلام) پس از رسیدن به مقام امامت، مأموریت ذبح را دریافت می‌کند. (بحارالأنوار، ج ۱۲، ص ۱۲۵). ج) بنای کعبه و انجام دادن مناسک حج. (مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۰. ر.ک: مجله‌ی میقات حج، ش ۳۲، ص ۱۹۷، مقاله‌ی آقای سیّدجواد ورعی، پیوند حج با امامت و ولایت).

[۲۳] بقره: ۱۲۴.

[۲۴] امام باقر (علیه‌السّلام):... والقائم یومئذ بمکهٔ، عند الکعبهٔ مستجیراً بها یقول: «... و مَن حاجّنی فی إبراهیم فأنا أولی الناس بإبراهیم.... (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵).

[۲۵] جنهٔالمأوی، آیهٔالله کاشف الغطاء، ص ۳۰۵؛ کرامات معصومیه، علی اکبر مهدی پور، ص ۵.

[۲۶] ر.ک: مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۹؛ شرح الشفاء، ج ۱، ص ۱۵۱.

[۲۷] مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴۸۳.

[۲۸] شرح قصیده‌ی عبدالباقی افندی، ص ۱۵، (به نقل از فروغ ولایت، ص ۳۵).

[۲۹] کعبه‌ای که ارکان آن به دست آدم صفی الله، و قواعد آن توسط قهرمان توحید، ابراهیم خلیل الله، مستحکم گردید، به خاطر مادر امام، دیوارش شکافته می‌شود و ولیّ خدا در خانه‌ی خدا متولّد می‌شود، چرا که ارزش هر چیزی به پایه‌ها و ارکان آن است. و ائمه (علیهم‌السّلام) در زیارت جامعه به «ارکان البلاد» معرفی شده‌اند. لذا رکن کعبه و مکه امام است و رکن عالم موجود در این عصر، حضرت مهدی (علیه‌السّلام) است که امام صادق (علیه‌السّلام) می‌فرماید: «لوبقیت الأرض بغیر إمامٍ لساخت، (کافی، کتاب الحجهٔ باب أنَّ الارض لاتخلوا من حجهٔ).

[۳۰] مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۳۶، ح ۶۴۵؛ جامع الأحادیث، ج ۱۶، ص ۲۷۲، ح ۷۹۲۷؛ المصنف، ج ۸، ص ۵۳۴، ح ۹ و... (به نقل از الغدیر، ج ۷، ص ۱۰ – ۱۳).

[۳۱] ر.ک: مسند، احمد بن حنبل، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۵۰، ۲۳۱، و ج ۳، ص ۲۱۲؛ خصائص نسایی، ص ۲۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۲۲؛ جامع الأُصول، ج ۹، ص ۴۷۵.

[۳۲] امام باقر (علیه‌السّلام) می‌فرماید: که امام علی (علیه‌السّلام) این چنین خطبه خواند: لا یطوفن بالبیت عریان و لایحجن البیت

مشرک...». (مجمع البیان، ذیل آیه‌ی ۳ سوره‌ی برائت).

[۳۳] الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۳ – ۱۳۵: «حجّ رسول الله (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) من المدینهٔ و قد بلّغ جمیع الشرایع قومه غیرالحج والولایهٔ، فأتاه جبرئیل (علیه‌السّلام) فقال له: یا محمد! إنّ الله جلّ اسمُهُ یقرؤک السلامَ و یقول لک: «... فریضهٔ الحج و فریضهٔ الولایهٔ والخلافهٔ من بعدک؛ فإنّی لم أخل أرضی من حجهٔ و لن أخیلها أبدا...».

[۳۴] عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۹۷.

[۳۵] همان، ص ۲۱۵.

[۳۶] مائده: ۶۷.

[۳۷] ر.ک: الغدیر، ج ۱، ص ۹ به بعد.

[۳۸] مائده: ۳.

[۳۹] حجّ، محسن قرائتی، ص ۷۴ (با اندکی تغییر و تصرّف).

[۴۰] گردی از رهگذر دوست، مهندس علی اصغر یونسیان، ص ۳۶۲.

[۴۱] اگرچه روزه‌ی آن روز مستحب است، لکن اگر روزه گرفتن آن روز موجب ضعف شود، آن گونه که انسان نتواند دعاهای این روز را بخواند، خواندن دعا بر روزه گرفتن مقدّم است. (بحارالأنوار، ج ۹۴، ص ۱۲۳ و ۱۲۴).

[۴۲] خداوند به خاطر اشک و دعای زائران بر فرشتگان مباهات می‌کند (کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۳). امام باقر (علیه‌السّلام) از ظهر تا غروب عرفه، دو دست خود را به سوی آسمان بالا می‌برد و دعا می‌کرد (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۶۴).

[۴۳] صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۷: «اللهم! إنّکَ أیدتَ دینک فی کل أوانٍ بإمامٍ أقمتَهُ عَلَماً لعبادک...».

[۴۴] اصول کافی، کتاب الحجهٔ، باب فی الغیبهٔ، ح ۵.

[۴۵] بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۲۸۱.

[۴۶] آل عمران: ۹۷.

[۴۷] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰: «... یدخله المرجی والقدری والحروری والزندیق الذی لایؤمن بالله و مَنْ دخله و هو عارف بحقّنا کما هو عارف له خرج من ذنوبه و کفی همّ الدنیا و الآخرهٔ».

[۴۸] کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

[۴۹] کافی، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۴۳: «هکذا کانوا یطوفون فی الجاهلیهٔ. إنّما أُمروا أن یطوفوا بها ثم ینفروا إلینا فیعلمونا ولایتهم و یعرضوا علینا نُصرتهم».

[۵۰] ابراهیم: ۳۷.

[۵۱] بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷. از این که مرحوم کلینی، بابی را به نام «باب أنَّ الواجب علی الناس بعد ما یقضون مناسکهم أن یأتوا الإمام فیسألوه عن معالم دینهم و یعلموه ولایتهم و مودتهم له» آورده، فهمیده می‌شود، رفتن نزد امام (علیه‌السّلام)، واجب است. (کافی، ج ۱، ص ۴۵۵، باب ۹۶).

[۵۲] حج: ۲۷.

[۵۳] کافی، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۸، ح ۳۱۳۹؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۲: «إنّما أُمرالناس أنْ یأتوا هذه الأحجار فیطوفوا بها ثم یأتونا فیخبرونا بولایتهم و یعرضوا علینا نصرهم.». در روایتی دیگر سدیر می‌گوید: در حالی که امام باقر (علیه‌السّلام) به خانه‌ی خدا وارد می‌شد و من بیرون می‌آمدم، دست مرا گرفت، سپس رو به کعبه کرد و فرمود: «ای سدیر! همانا مردم مأمور شده‌اند که نزد این سنگ‌ها آمده، طواف کنند، سپس نزد ما آیند و همبستگی و ولایت شان را به ما اعلام کنند.».

(کافی، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۳).

[۵۴] نهج البلاغه، خ ۳.

[۵۵] تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۶۳.

[۵۶] تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۱.

[۵۷] سیمای مهدی موعود...، محمد نعیمی، ص ۳۶۴.

[۵۸] بقره: ۱۹۶.

[۵۹] وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ص ۲۵۴؛ بحارالأنوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴.

[۶۰] بحارالأنوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴.

[۶۱] کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

[۶۲] حج: ۲۹.

[۶۳] کافی، ج ۴، ص ۵۴۹: «... إنَّ للقرآن ظاهراً و باطناً و مَن یحتمل ما یحتمل ذریح».

[۶۴] کلّیّات دیوان الهی قمشه‌ای، بخش اسرار حج، ص ۹۵۶.

[۶۵] در این رابطه ر.ک: بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۷.

[۶۶] کتابُ مَنْ لایحضره الفقیه، باب من أراد الکعبه بسوء، ج ۲، ص ۲۴۸ و ۲۴۹؛ وافی، ج ۱۲، ص ۵۲.

[۶۷] انبیاء: ۳۰.

[۶۸] انفال: ۲۴.

[۶۹] حجّ، محسن قرائتی، ص ۷۳ (با اندکی تصرّف و تغییر).

[۷۰] صبوری اصفهانی، سیمای مهدی موعود (علیه‌السّلام) در آیینه‌ی شعر فارسی، ص ۳۶۳.

[۷۱] مفاتیح‌الجنان، دعای عهد.

[۷۲] نوای فراق، ص ۲۶۲. اگر عاشقی عازم خانه خدا باشد و بخواهد در شهر و دیار خود این غزل را با مولایش(عج) زمزمه کند، لازم است کلمات «این جا» را به «می‌روم آن جا» و کلمه «این» را در بیت آخر به «آن» تبدیل کند.

[۷۳] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین، باب ۳۳، ج ۲، ص ۲۳.

[۷۴] بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، باب ۴۳. مرحوم محقق خویی (رحمهٔ‌الله‌علیه)، «حسن بن وجنای نصیبی» را در معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۳۰، ضمن ذکر این واقعه، وی را توثیق کرده است.

[۷۵] کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

[۷۶] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۹، ص ۳۶۰.

[۷۷] بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

[۷۸] دلائل الإمامهٔ، ص ۲۹۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۹؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۹.

[۷۹] نغمه‌ی انس، علی‌اصغر یونسیان (ملتجی)، ص ۱۰۰.

[۸۰] کرامات صالحین، شریف رازی، ص ۹۱ (به نقل از دیدار با امام زمان در مکه و مدینه، ص ۹۸).

[۸۱] خلوتگاه راز، حبیب الله چایچیان (حسان)، ص ۲۷۸.

[۸۲] ارشاد، شیخ مفید، ص ۶۸۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۰.

[۸۳] توبه: ۳.

[۸۴] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۵.

[۸۵] بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۹.

[۸۶] همان، ج ۵۲، ص ۳۰۵. در روایت دیگری امام صادق (علیه‌السّلام) می‌فرماید: «إذا أذن الله عزّوجلّ للقائم فی الخروج صعد المنبر و دعا الناس إلی نفسه وناشد هم بالله ودعاهم إلی حقه...». (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷).

[۸۷] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۸۴؛ (به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۲۵).

[۸۸] امام باقر (علیه‌السّلام) می‌فرماید: (کأنی بالقائم... بین الرکن والمقام بین یدیه جبرئیل (علیه‌السّلام) ینادی البیعهٔ للّه». بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

[۸۹] کافی، ج ۴، ص ۱۸۵.

[۹۰] بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۸.

[۹۱] مائده: ۹۷.

[۹۲] وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۱۴.

[۹۳] نهج البلاغه، خ ۱، ص ۴۵: «...جعله سبحانه و تعالی للإسلام عَلَماً وللعائذین حرماً...».

[۹۴] پیامبر اکرم (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم): «یحّج أغنیاء اُمّتی للنزهۀ ویحج أوسطها للتجارهٔ ویحج فقراؤها للریاء و سمعهٔ». (روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۹۴).

[۹۵] امام باقر (علیه‌السّلام): «فإذا فعلوا ذالک منعوا من الحج ثلاث سنین...». (روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۱۷). نیز در این زمینه به صفحات ۸۰۴، ۸۱۰، ۸۱۱، ۹۱۳، ۹۱۸، ۱۱۲۸ مراجعه کنید.

[۹۶] پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم): «... وعلامته أنْ ینهب الحاج...». (روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۶۵). نیز مراجعه شود به ص ۹۰۴ و ۹۲۱.

[۹۷] ر. ک: پیدای پنهان، پورسید آقایی، ص ۳۵.

[۹۸] کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ کتابُ مَنْ لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

[۹۹] ارشاد، ص ۷۰۵؛ الغیبهٔ، طوسی ص ۲۹۷؛ الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۷۱؛ أعلام الوری، ص ۴۳۱؛ کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۵۵؛ اثبات الهداهٔ، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.]

[۱۰۰] بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

[۱۰۱] واژه «حزوره» بر وزن «قسوره» نام مکانی میان صفا و مروه است، کافی، ج ۴، ص ۵۳۹.

[۱۰۲] کافی، ج ۴، ص ۲۱۰، باب فضل الصلاهٔ فی المسجد الحرام.

[۱۰۳] کافی، ج ۴، ص ۲۱۰، ح ۱۲.

[۱۰۴] تهذیب، ج ۵، ص ۴۵۳، ح ۱۵۸۴.

[۱۰۵] وافی، چاپ قدیم، ج ۲، جزء ۸، ص ۲۸، باب حجّ ابراهیم.

[۱۰۶] امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۶۶.

[۱۰۷] بقره: ۱۲۵.

[۱۰۸] تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۶۳؛ صهبای حج، ص ۱۲۷.

[۱۰۹] الغیبهٔ، نعمانی، باب ۱۳، ص ۳۳۲، ح ۲۵.

[۱۱۰] وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۵۵.

[۱۱۱] ارشاد، ص ۷۰۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

[۱۱۲] علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵.

[۱۱۳] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۲۹۲ – ۲۹۴: «سیروا فیها لیالی وأیاماً آمنین» مع قائمنا أهل البیت. وأمّا قوله تعالی «مَنْ دخله کان آمنا» فمَنْ بایعه ودخل معه و مَسحَ علی یده ودخل فی عقد أصحابه کان آمنا».

[۱۱۴] مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(عج)، ج ۲، ص ۳۱۰ – ۳۱۸ (با تلخیص).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹